

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Understanding the Morphological Evolution of Armenian Churches in
New Julfa and its Interaction with the Architecture of Isfahan
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

شناخت تحولات ریخت‌شناختی کلیساهای ارمنی جلفای نو در تعامل با معماری اصفهان*

ارغوان پورنادری^۱، محمد سعید ایزدی^{۲*}، محمود قلعه‌نویی^۳، حسین پورنادری^۴

۱. پژوهشگر دکتری مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
۲. دکتری معماری-مرمت شهری، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.
۳. دکتری شهرسازی، دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
۴. کارشناسی ارشد معماری، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۲ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۳/۰۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۱ تاریخ انتشار: ۹۸/۱۰/۰۱

بیان مسئله: کشور امروزی ارمنستان، که بخشی از اورارتوی باستانی است، اولین سرزمینی است که مسیحیت را به‌طور رسمی پذیرفت، قدیمی‌ترین کلیساها را ساخت و معابد قدیمی را به کلیسا تبدیل کرد. با کوچ ارمنه و همزمان با برپایی جلفای اصفهان در دوره شاه عباس اول، بنای کلیساها با برخورداری از تجربه‌های کهن و با فرمان عدم تعارض با ابنیه پایتخت به شکل دیگری به‌منصه ظهور رسیدند. به‌نظر می‌رسد در سابقه پژوهش‌های محققان درباره کلیساهای جلفای نو، به معماری و مناسبات فرهنگی بستر جدید توجه کافی نشده است. شناخت روند نزدیک شدن معماری مذهبی ارمنه جلفا به معماری اصفهان و بهره‌گیری از نتایج آن در طرح‌های مرمت شهری خصوصاً در محله جلفا ضرورت این پژوهش است.

هدف: پژوهش، با هدف شناخت ساختار کالبدی-فضایی و تحولات ریختی بنای اصلی کلیساهای جلفای نو در تعامل با معماری اصفهان، در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش است که تحولات ریخت‌شناختی ساختمان اصلی کلیساهای جلفای نو چگونه بوده است؟ کدام گونه مولد و آغازگر پیشرفت طرح‌های بنای کلیسایی بود؟ در روند تحولات ریختی کلیساها، چگونه معماری ساختمان اصلی کلیساها به معماری اصفهان نزدیک شد؟ **روش تحقیق:** پژوهش با روش تفسیری-تاریخی انجام شد و داده‌ها، با توجه به مدارک و اسناد موجود و برداشت‌های میدانی، گردآوری شده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتیجه پژوهش حاکی از الزام به رعایت گونه‌ای محدودیت در فرم تبیین‌شده بنای کلیساهای ارمنی است. وجود گونه مولد و تأثیرپذیری از تکنیک‌های معمارانه دوره شاه عباس اول در سیر تحولات ریختی تأیید می‌شود. در مقایسه با معماری شاخص اصفهان این دوره، تحولات ریخت‌شناختی ساختمان اصلی کلیساها نشانه گرایش به ایرانی شدن سبک معماری دارد. کلیسای گئورگ مقدس اولین بنای کلیسایی با ویژگی‌های معماری ایرانی است که امکان تحولات کالبدی-فضایی بعدی را فراهم کرد. ساختار کالبدی-فضایی کلیساهای مریم مقدس و بتخهم مقدس با مساجد شیخ لطف‌الله و جامع عباسی قابل مقایسه است و بخشی از چگونگی تحولات در گونه مولد را به خوبی نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: ریخت‌شناسی، گونه، کلیساهای ارمنی، جلفای نو (جلفای اصفهان)، معماری دوره شاه عباس اول.

مشاوره مهندس حسین پورنادری در دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان است.
**نویسنده مسئول: ms.izadi@basu.ac.ir، ۰۹۱۲۲۱۷۳۱۸۲

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری ارغوان پورنادری با عنوان «بازخوانی معماری جلفای اصفهان در بستر فرهنگی-تاریخی سرزمین ایران با تأکید بر معماری کلیساها و خانه‌ها» به راهنمایی دکتر محمد سعید ایزدی و دکتر محمود قلعه‌نویی و با

مقدمه

و در نهایت انطباق فرم طراحی شده با عملکرد تعیین شده (Petruccioli, 1998, 9). دوران درباره «اجزای ساختمان‌ها شامل دیوارها، درها و پنجره‌ها، قوس‌ها و نگهدارنده‌ها (همچون جرزها، ستون‌ها و پایه‌ها)» بحث‌هایی را مطرح کرد و «مصالح مختلف قابل استفاده در ساخت، شکل و تناسباتی که در هر جزء قابل به‌کارگیری است» را بررسی کرد. سپس «چگونگی ترکیب اجزا و رابطه میان آنها در سطح و ارتفاع را آموخت». با ترکیب‌های متنوع بخش‌های مختلف بنا را شکل داد و با ترکیب‌های گوناگون آن بخش‌ها به ترکیبی کلی در گونه‌های بی‌شمار دست یافت (Durand, 2000, 132).

از سوی دیگر بوله بر آن بود که «حافظه برای شکوفایی جامعه پساانقلابی ارزش آموزشی دارد» و «فرم‌های تاریخی می‌تواند با ارزش‌های مشترک جامعه و طراح ارتباط برقرار کند». به همین دلیل او بر زیبایی تأکید بسیار داشت (Petruccioli, 1998, 10). در دهه ۱۹۵۰ سه مکتب در اروپا شروع به بسط تئوری‌ها برای درک محیط ساخته‌شده و ارتباط میان عناصر آنها کردند. «با تفاوت‌هایی در مفهوم گونه‌شناسی، به‌ترتیب زمانی، گروه پژوهش ریخت‌شناسی شهری دانشگاه بیرمنگام، الهام گرفته از کانزن، مکتب ایتالیایی با پایه‌گذاری موراتوری و مکتب ورسای فرانسه به‌وجود آمدند» (ibid., 11-12). بحث‌های گونه-ریخت‌شناسی در این سه مکتب چگونگی استفاده از گونه را در تئوری طراحی روشن می‌کند. این مکاتب میان گونه‌های مولد و توصیفی، تحلیلی و انتقادی تمایز قائل‌اند و قادر به تفکیک مفهومی آنها هستند (Moudon, 1994).

«در دهه ۱۹۶۰ آرگان^۷، با شرح اینکه گونه نتیجه‌ای قیاسی است، تکیه‌گاهی نظری برای ایده گونه‌شناسی شکلی و حافظه ریخت‌شناسانه حاضر در کار بوله فراهم کرد. پیدایش گونه مشروط به آن است که رده‌ای از بناها، در عملکرد مشخص و قیاس شکلی، مشترک باشند. در فرایند قیاس و انطباق اشکال منحصربه‌فرد برای تعیین گونه، خصوصیات ممیز بناهای مشخص حذف می‌شود و تنها عناصر عمومی باقی می‌ماند که در کل رده ظاهر می‌شود» (Petruccioli, 1998, 10). گونه برای آرگان یک «طرح فرمی» است، «یک قالب برای بازتولید در آینده» که می‌تواند در تاریخ شناسایی شود (Petruccioli, 1999, 7). گونه همچون «طرحی نتیجه‌شده از فرایند انتزاع انواع اشکال به یک فرم بنیادین یا طرح عمومی» نشان داده می‌شود (Petruccioli, 1998, 10).

«میراث اصلی دهه شصت میلادی کار موراتوری^۸ است، که بنیان گونه را پیشینی و مبتنی بر تاریخ به‌تصویر کشید. این مفهوم دو پیامد مهم در پی داشت:

۱. اگر «پیش از ساخت، گونه در ذهن مردم وجود داشته باشد، این همان مؤثرترین بیان حافظه جمعی» است. در حقیقت «موراتوری این مشارکت، این ارزش اصلی و معنوی ساختمان را در برابر معماری غالب^۹ ارتقا بخشید».

کشور امروزی ارمنستان بخشی از اورارتوی باستانی است که با مهاجرت‌های وسیع ارمنی‌های آریایی و سکونت در جنوب غربی دریایچه وان شکل گرفت. اولین سرزمینی که مسیحیت را به‌طور رسمی پذیرفت، قدیمی‌ترین کلیساها را ساخت و معابد قدیمی را به کلیسا تبدیل کرد. با مهاجرت اجباری ارمنیان از ارمنستان به ایران در زمان شاه عباس اول، همزمان با طرح‌های عمران و توسعه اصفهان، جلفای نو در جنوب زاینده‌رود شکل گرفت. در این فرایند، خواست شاه عباس اول از یک‌سو و همزمانی طرح‌های توسعه پایتخت از سوی دیگر به یکپارچگی منظر جلفای نو و اصفهان کمک کرد.

ساخت تمام کلیساهای موجود ارمنی، که طی حدود شصت سال^۱ صورت گرفت، منطبق بر قواعد مشخص و با تأثیرپذیری از معماری اصفهان، سیر تحولی رو به اعتلا داشته است. بررسی چگونگی روند نزدیک‌شدن معماری مذهبی ارامنه جلفای نو و اصفهان گامی است در شناخت تعامل معماری جلفا و اصفهان که نتایج آن در طرح‌های مرمت شهری و به‌ویژه در محله جلفا ضرورت محسوب می‌شود. پژوهش، با هدف شناخت ساختار کالبدی-فضایی^۲ و تحولات ریختی بنای اصلی کلیساهای جلفای نو در تعامل با معماری صفویه، به دنبال این پرسش است که تحولات ریخت‌شناختی ساختمان اصلی کلیساهای جلفای نو چگونه بوده است. کدام گونه آغازگر پیشرفت طرح‌های بنای کلیسایی بود؟ طی تحولات ریختی ساختمان اصلی کلیساها از گونه مولد^۳، چگونه معماری ساختمان کلیساها به معماری اصفهان شاه عباس اول نزدیک شد؟

مبانی نظری

• گونه-ریخت‌شناسی^۴

«ایجاد طبقه‌بندی برای درک اطلاعات دریافتی متنوع و گوناگون» یک ضرورت است و به‌نظر می‌رسد «عموم یک تصویر شناختی از هر شیء شناخته‌شده دارند که با بسیاری خاطرات فردی همپوشانی دارد» (Kwun & Whang, 2011). مطالعات گونه‌شناسی، که در قرن هجدهم به‌وجود آمد، در دو رویکرد مختلف عملکردی و شکلی به «گونه»، به‌ترتیب با کارهای دوران^۵ و بوله^۶، دو معمار نیمه نخست قرن نوزدهم معرفی شد (Petruccioli, 1998, 9).

نوشته‌های دوران «یکی از اولین قاعده‌مندی‌های گونه و ترکیب مفاهیم» را ارائه می‌دهد که «تا پیش از افولش، تحت یورش مدرنیته، هدایتگر آموزش مدرسه هنرهای زیبا بود» (Picon, 2000, 2). دوران، با برشمردن انواع عملکرد ساختمان‌های عمومی و خصوصی، «هدف معماری را ترکیب و اجرای آنها» دانست که هر یک می‌تواند به گونه‌های متعدد بسیار و تبدیل‌پذیر با تغییرات بی‌پایان باشد (Durand, 2000, 77). روش او شامل سه مرحله بود: مطالعه عناصر معماری، مونتاژ و تبدیل این عناصر به سیستم‌ها

روش تحقیق

پژوهش با روش تفسیری-تاریخی انجام شده است و، علاوه بر تحلیل اسناد تاریخی، برداشت‌های میدانی نیز صورت گرفته است. ابزارهای پیش‌گفته شناخت ساختار کالبدی-فضایی کلیساهای ارمنی جلفای نورامیسر کرد. ویژگی‌های منحصر به فرد و مشترک ساختمان اصلی کلیساهای در نسبت با عوامل تأثیرگذار در ریخت ساختار کالبدی-فضایی شناسایی شد. با توجه به شکل‌گیری گونه‌های متفاوت در عصر شاه عباس اول، با فرض تعامل اندیشه‌های معماری و شهرسازی در توسعه اصفهان در مقام پایتخت، با مقایسه ویژگی‌ها و تناسبات اجزا و نظام سازه کلیساهای بناهای شاخص این دوره و جست‌وجوی شباهت‌های آنها، چگونگی تأثیرپذیری و تحول ریختی کلیساهای مشخص شد. در زنجیره تغییر و تداوم ویژگی‌های ساختار کالبدی-فضایی کلیساهای الگوی مولد کلیسا شناسایی و، با آگاهی از سرمنشأ و روند تحولات کالبدی و با توجه به نسبت‌های فضایی و سازه‌های عصر شاه عباس اول، چگونگی نزدیک شدن بنای کلیساهای معماری اصفهان آشکار شد.

ویژگی‌های عمومی معماری کلیساهای ارمنی

ارامنه که در «قرن ۶-۵ ق. م. در ردیف حامیان ایران» بودند و «موقعیت برجسته‌ای در جامعه ایرانی» داشتند (Gellhardt, 2017, 19)، در زمینه معماری ابنیه دینی از مصالح مرغوب، فنون پیشرفته طاق و گنبد استفاده کرده‌اند. کلیساهای عهد ساسانی بیشتر در کشورهای همسایه یافت شده است و تاریخ اغلب کلیساهای ارمنی مربوط به بعد از دوره ساسانی است (روتز، ۱۳۸۷). در کلیسای مرن (۶۴۰ م.) گوشه‌سازی‌های گنبد ساسانی (تصویر ۱) به چشم می‌خورد (Maranci, 2014). شوازی (۱۳۸۶)، روتز (۱۳۸۷) و چینگ و جارزومبک و پاراکاش (Ching, Jarzombek & Prakash, 2006) از گونه‌های کلیسا با ساختار مرکزی در پلان سخن گفته‌اند که در ارمنستان و بیزانس ساخته شده است. شوازی نوعی از آن را که از ساقه‌های بلند، یک گنبد مخروطی در نمای بیرونی و گنبد داخلی، با هدف پوشاندن سقف با قطعات سنگ‌های پاک‌تراش به ساده‌ترین روش ممکن، تشکیل می‌شده است مختص ارمنستان دانسته که در دیگر جاها از جمله در ایران دوره سلجوقی و پس از آن نفوذ کرده است. ملکمیان (۱۳۸۰) و شوازی (۱۳۸۶) معتقدند، پس از کنار گذاشتن طرح کلیساهای ناوی شکل، کلیساهای دارای گنبد مورد توجه قرار گرفته‌اند. ملکمیان (۱۳۸۰) تأثیر ایران را در گنبد سنگی ارمنستان، با توجه به شکوفایی گنبدهای ساسانی در آن زمان، محتمل دانسته است. آپجان، مالر و وینگرت (۱۳۹۰) تأثیر گنبدهای ساسانی را در گنبدهای بیزانس تأیید کرده‌اند. گنبدسازی در دوره‌های ساسانی و بیزانس پدیده‌ای معمارانه و مورد نیاز آن دولت‌های متمول و قدرتمند بوده است که آن را، پیش از به کارگیری در بناهای مذهبی، در ابنیه باشکوه خود به کار گرفته‌اند. به گفته آپجان و همکارانش، معماری بیزانس این نوع گنبد با جثه عظیم، که بیشتر فضای بنا را می‌پوشاند، بر

نتیجه این بود که «اگر گونه تجلی زندگی مردم است، در زمان و فضا تغییر می‌کند». بنابراین «بیشترین سهم پیشرفت ایده روند تغییر از آن موراتوری است، اگرچه ساختار فکری او در دهه ۱۹۶۰ به دلایل سیاسی رد شد».

«ایده برگرفته از موراتوری در فرایند گونه‌شناختی^{۱۰} روشی از طراحی را به تصویر می‌کشد که تحلیل و طراحی را در تسلسل با هم می‌پندارد» (Petruccioli, 1999, 7).

پیشینه پژوهش

تغییر سیاست‌های نهادهای ناظر بر کلیساهای (Garai & Vuko- szávlyev, 2017; Stroik, 2015)، شناخت تغییرات سازمان فضایی کلیساهای با استفاده از گونه‌شناسی کلیساهای منطقه (Panjikaran & Vedamuthu, 2013)، چگونگی به کارگیری معماری کلیسا به مثابه زبانی که معرف خصایل انسانی مؤمنان باشد (Sovik, 2009)، بازنگری اسلوب طراحی (Repelewicz & Madurowicz, 2016)، گونه‌شناسی کلیساهای ارمنی تهران (Simoni & Hojat, 2016)، جغرافیای عناصر معماری قدیمی در ساختمان کلیسا (Currie, 1990)، ردیابی آثار ساخت و طرح کلیساهای پسا-بیزانسی در پهنه‌ای وسیع‌تر با استفاده از آنالیز پیمون در سیستم متریک دوره‌های بیزانس و عثمانی (Oikonomou, 2012) از جمله مطالعات گسترده روی سازمان و ساختار فضایی کلیساهای ایران و جهان هستند.

گرین وود (Greenwood, 2008) درباره تأثیر عمیق و طولانی ایران ساسانی در کلیساهای ارمنستان بحث و بررسی کرد و مارانسی (Maranci, 2015) وضعیت و قدمت سه کلیسای مرن^{۱۱}، زوارتنوتس^{۱۲} و پتقنی^{۱۳} در ارمنستان را با استفاده از اجزای متنوع معماری ساختمان بناها و نسبت شکل‌گیری آنها با حکومت وقت تشریح کرد. از نظر مارانسی کلیساهای مذکور نشان از گفت‌وگوی پویا میان مؤسسان محلی و نجبا، ارتقای حرفه‌های فردی و خانواده اشراف و به اشتراک‌گذاری افق‌های فرهنگی دارد (Avdoyan, 2017). جوادی (۱۳۹۳) تأثیرپذیری کلیساهای ارمنستان از معابد مهری منطقه قفقاز را بررسی و تأیید کرده است.

در ایران مطالعات تاریخی چندی روی کلیساهای استان‌های آذربایجان انجام شده است (خان‌محمدی، ۱۳۸۴؛ شجاع‌دل، ۱۳۸۴ الف، ۱۳۸۴ ب؛ حق‌نظریان، ۱۳۹۴؛ سیمونی، ۱۳۸۹؛ هوسپیان، ۱۳۸۳، ۱۳۹۴). پژوهش‌های حق‌نظریان (۱۳۸۵) و کارسول (Carswell, 1968) پیرامون کلیساهای و بناهای جلفای نو از منابع ارزنده محسوب می‌شود. در نگاه پژوهشگران ایرانی (آودیان، ۱۳۷۹؛ شجاع‌دل، ۱۳۸۶؛ هوسپیان، ۱۳۸۶؛ حق‌نظریان، ۱۳۸۵)، اشاره به تأثیرپذیری کلیساهای ایران از معماری ویژه سرزمین جدید، نمایانی تأثیرات فن و تکنیک وابسته به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی مناطق ایران در کالبد بنا، همچنین منحصر به فرد بودن کلیساهای جلفای نو نسبت به کلیساهای پیشین ایران دیده می‌شود.

به کارگیری نیروی انسانی معین در طرح‌های همزمان و کثرت طرح‌ها را عاملی مهم در هماهنگی طرح‌ها دانسته است. برخی منابع برداشت الگوی پیشینی را برای کاربری‌های مشابه در دوره صفویه تأیید کرده‌اند. افوشته‌ای نطنزی (۱۳۷۳) الگوی بازار اصفهان را برداشت و همانندی از طرح بازار تبریز ذکر کرده است. آلن^{۱۴} نیز باغ‌های منظم چهارباغ اصفهان را متأثر از باغ‌های دوره تیموری هرات می‌داند که شاه عباس اول کودکی خود را در آنجا سپری کرده بود (cited in Walcher, 2001, 339).

• عوامل درون-کلیسایی

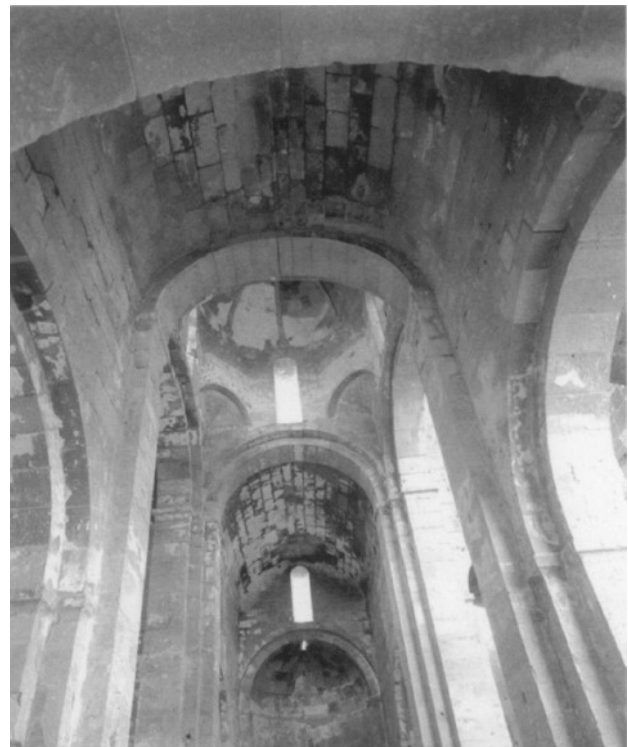
قوانین، کارکردها و ارتباطات و مشارکت‌های مردم و اعیان، همچنین الگوهایی که از سابقه طولانی ارتباط ارامنه با عبادتگاه‌های منطقه سکونت پیش از مهاجرت داشته‌اند عوامل درون-کلیسایی را تشکیل می‌دهند. سندی از تشریفات ساخت کلیسا که با ویژگی‌های کلیساهای جلفای نو انطباق دارد نشان می‌دهد چند جایگاه کلیدی در کنج‌ها و پایه‌های دهانه‌های عرضی متصل به دیوارهای جانبی برای نصب سنگ‌های متبرک به یاد حواریون مسیحی نصب می‌شد (ملکمیان، ۱۳۸۰) (تصویر ۳). سنگ‌ها حدود، فرم و سطح فضاهای کلیسا را مشخص می‌کند. در ساختار فضایی کلیساهای ارمنی، فضای داخلی به صحن اصلی (فضای حضور عامه)، فضای خطابه کشیش و جایگاه سرودخوانان و در نهایت فضای محراب در انتهای شرقی بنا تقسیم می‌شود. ورودی اصلی معمولاً از غرب و روبه‌روی محراب است، اگرچه ورودی‌های متعدد دیگری نیز به تدریج افزوده شده‌اند. ترکیب فضاهای جایگاه‌ها امکان ایجاد گونه‌های دالانی (ناوی شکل مانند کلیسای گئورگ مقدس)، «شبیستانی» (ستون‌دار مانند کلیسای هوانس مقدس و استپانوس مقدس) و «گنبددار» (همچون کلیسای مریم مقدس و بتخهم مقدس) را دارد.

پلان صلیبی ساختار کالبدی-فضایی کلیساهای ارمنی و دهانه مرکزی آن که با گنبد، نورگیر و ساقه‌های بلند مورد تأکید قرار گرفته در برخی کلیساهای جلفای نو با ساختار شکل گنبد ایرانی هماهنگ شده است.

• عوامل بیرونی

- اراده شاه بر طرح کلیساها

مداخلات شاه در طرح‌ها برای ایجاد یکپارچگی و شکوهمندی بخش‌های مختلف پایتخت عامل مؤثری در طرح کلیساهای جلفای نو بود. از فرمان‌های شاه عباس اول درباره ساخت کلیسای باشکوه می‌توان به تأثیر دخالت او در روال طرح و اجرای کلیساهای جلفای نو پی برد. شاه در حکم خود زمین کلیسا را از ملکیت دیوان خارج و به ارمنیان هدیه کرد. دستور طرح کلیسا بر تخته و کاغذ را به کشیشان و پادری‌ها^{۱۵} داد و تأیید و اتمام آن را در عهده خود گرفت (هنر فر، ۱۳۵۰). منظور شاه در اصل ایجاد کلیسای غیرگریگوری برای تمام مسیحیان در زمین شخصی خودشان بود و تأکید او بر زمین کلیسا در پشت باغ زرشک



تصویر ۱. کلیسای مرن (۶۴۰ م.) در مرز شرقی ارمنستان، استفاده از گوشه‌سازی ساسانی. مأخذ: Maranci, 2014: 65.

کلیساهای این عصر انطباق داد.

قدیمی‌ترین آثار تک‌دالانی (ناوی) معابد مهری است که پس از مسیحیت به کلیسا تبدیل شد. طاق و گنبد و همچنین فضای دالانی (ناوی) با اسلوب‌های رشدیافته‌ای در کلیساهای ارمنستان به کار گرفته شده‌اند. زاندر (۱۳۸۶)، گذار، گذار و سیرو (۱۳۶۷) و روتر (۱۳۸۷) شیوه چهارستونی، چهارقوسی و گنبدی را میراث امپراطوری ساسانی و مذهب زردشتی می‌دانند که در دوره صفویه، با مداخلات و اصلاحاتی که در پایه‌ها انجام دادند، آنها را میان‌تهی و سبک‌تر ساختند و به کمال رسانده‌اند. در تاریخ ۱۷۰۰ سالهٔ احداث کلیساهای ارمنی در ایران (هوسپیان، ۱۳۸۳)، دو دیر قدیمی منطقه آذربایجان، کلیسای استپانوس مقدس و تادئوس مقدس (قره کلیسا) از برجسته‌ترین کلیساها هستند که طی قرون بارها آسیب دیده و مرمت شده‌اند (تصویر ۲) (Hahnazarian, n.d.). در دوره قاجار با حمایت‌های عباس میرزا قسمت غربی کلیسای تادئوس به سبک معماری کلیسای اچمیادزین تغییر یافت (Hahnazarian, n.d.; هویان، ۱۳۴۶؛ آراکلیان، ۱۳۷۵؛ افشارسیستانی، ۱۳۷۵؛ هوسپیان، ۱۳۸۳).

عوامل مؤثر در ریخت بناها در توسعه مرکز پایتخت و جلفای نو

هم‌زمانی طرح‌ها و روش‌های احداث سریع بناهای پایتخت صفوی، فرصتی برای تعامل و پیوند طرح‌های معماری و شهرسازی و تأثیرگذاری آنها در یکدیگر بود. مک‌چسنی (۱۳۸۵)

برای واقع شدن بنا در پس‌زمینه باغ‌های شاهی و هماهنگی با گوشک‌های چهارباغ بود.

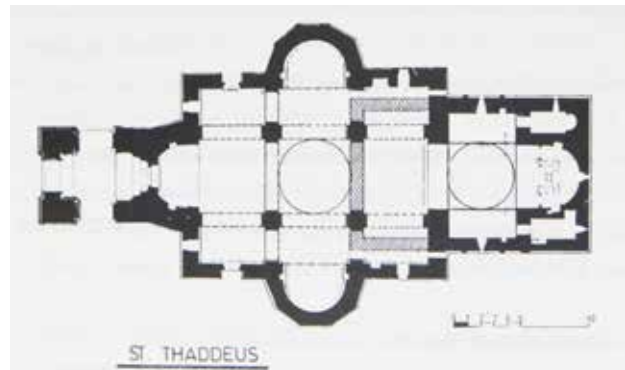
- عوامل فرهنگی و جغرافیایی سرزمین جدید

جای‌گیری محله جلفای نو در نزدیکی زاینده‌رود و برخورداری از زیرساخت‌های لازم در تنوع و غنای فضاهای عمومی و شهری نقش مؤثر داشت. هم‌سویی راستاهای آیینی با خطوط شبکه بافت جلفا، که از ویژگی‌های خیابان چهارباغ و باغ‌های آن بهره‌ای داشت، بافت یکپارچه‌ای را در هسته اولیه جلفای نو شکل داد و کلیساها در جوار خیابان و گذرهای اصلی قرار گرفتند.

نقش مصالح ساختمانی تأثیری عمده در ساختار کالبدی-فضایی کلیساها گذاشت و فرم‌های ساختمانی آن را به‌کار گرفت و شباهت بیشتری با بناهای ایرانی یافت. نقش دیگر مصالح ساختمانی در ایجاد پیوند و هماهنگی منظر محیطی و شهری کلیساها با سایر ابنیه و عناصر طبیعی است (تصویر ۴ و ۵).

- اثرپذیری از الگوها و منابع معماری پیشین

ساختار کالبدی-فضایی کلیساهای جلفای نو یادآور یکی از کاخ‌ها و برخی ابنیه مذهبی شاخص پایتخت است، به‌طوری که گمان می‌رود معماران و کارفرمای یکسانی داشته‌اند. منشأ نزدیکی شکل کلیساها به ابنیه فاخر اصفهان را علاوه بر تأثیر عواملی همچون



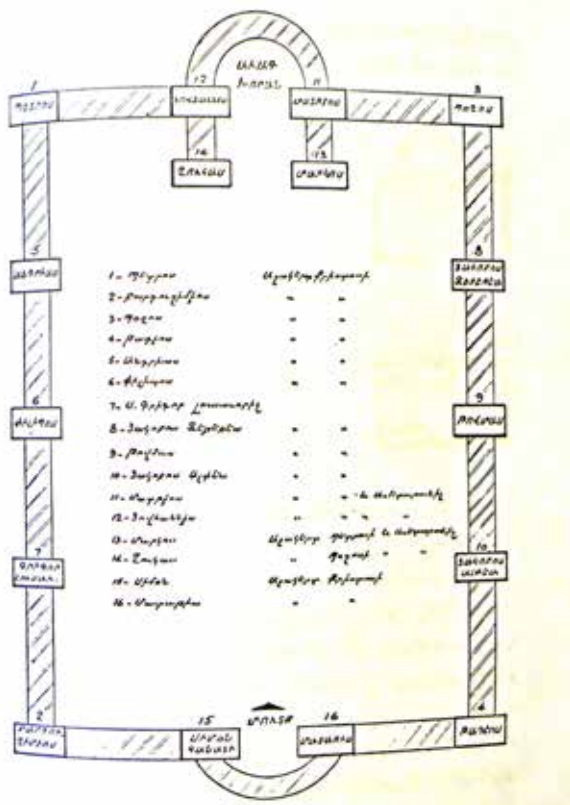
الف



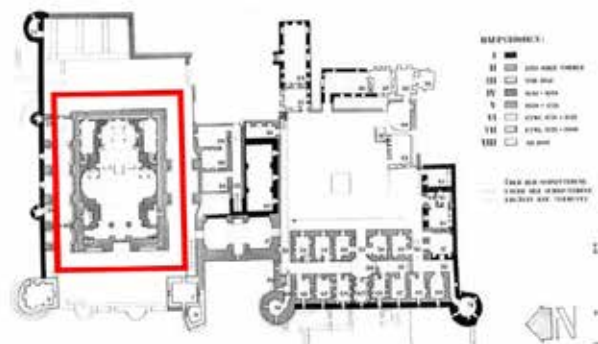
ب



ج



تصویر ۳. سنگ‌های متبرک کلیسای ارمنی و نام شانزده حواری مسیحی. مأخذ: ملکمیان، ۱۳۸۰، ۳۴.



د

تصویر ۲. تصاویر و پلان کلیساهای استپانوس و تادئوس مقدس. الف) پلان کلیسای تادئوس مقدس (قره کلیسا). مأخذ: آراکلیان، ۱۳۷۵. ب) قره کلیسا در آذربایجان غربی. مأخذ: Haghnazarian, n.d. ج) کلیسا و دیر استپانوس مقدس در آذربایجان شرقی. مأخذ: Haghnazarian, n.d. د) پلان کلیسا در دیر استپانوس مقدس. مأخذ: هوفریختر، ۱۹۷۲ به نقل از هوسپیان، ۱۳۹۴.

• کلیسای گئورگ مقدس (۱۰۲۰ ق.)

گئورگ مقدس چهار سال پس از کلیسای هاکوپ مقدس ساخته شد. هم پلان و هم فنون ساختمانی آن جهش در خور ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد (تصویر ۷).

توده ساختمانی پایه‌های این کلیسا به طول ۳/۴۰ متر گویای عرض و بلندی زیاد کلیسا و خشتی بودن مصالح ساختمانی است. کشیدگی و فضای سه‌دهانه‌ای با بلندی ۱۰/۶۰ متر کاربردی شده بنای سه‌دهانه‌ای تالارهای کاخ چهلستون^{۱۶} را در نظر می‌آورد. تشابه نسبت‌های نظیر نشان‌دهنده رعایت قوانین و نسبت‌های ساختمانی دوره شاه عباس اول و الگو قرار گرفتن برای صحن^{۱۷} کلیسا بوده است (جدول ۲).

• کلیسای استپانوس مقدس (۱۰۲۳ ق.)

کلیسای استپانوس مقدس، دارای پلان و فضاهای گشاده با بلندی ۱۷/۲۰ متر و مساحت حدود ۴۵۰ مترمربع، از بزرگ‌ترین کلیساهای جلفای نو است. کلیسای استپانوس مقدس را می‌توان حاصل تحولات معماری در کلیسای تک‌دالانی (ناوی) گئورگ مقدس برای ایجاد فضاهای بزرگ و در عین حال کم‌هزینه دانست (تصویر ۸). کلیسای هوانس مقدس (۱۰۳۱ ق.) و دو کلیسای دیگر نیز با همین روش و با همیاری مردم جلفای نو ساخته شدند (حق‌نظریان، ۱۳۸۵) (تصویر ۹). در این تجربه از کشیدگی طول کلیسا کاسته و به عرض آن افزوده شد. اجرای پوشش‌های این گونه سریع و هزینه‌های آن کمتر بود.

• کلیسای مریم مقدس (۱۰۲۲ ق.)

خواجه اودیک، دو سال پس از کلیسای گئورگ مقدس، کلیسای مریم مقدس را ساخت؛ اولین کلیسای گنبددار که برخی ویژگی‌های آن همچون گنبد و رواق اطراف گنبد، قرارگیری بر صفا^{۱۸} و ساختار شکل گنبد با مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد کبود تبریز قابل مقایسه‌اند (تصویر ۱۰). اهمیت تشابه این عوامل در نظریه‌ای است که دو نمونه مسجد علی و مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان را متأثر از الگوی مسجد کبود دوره جهان‌شاه

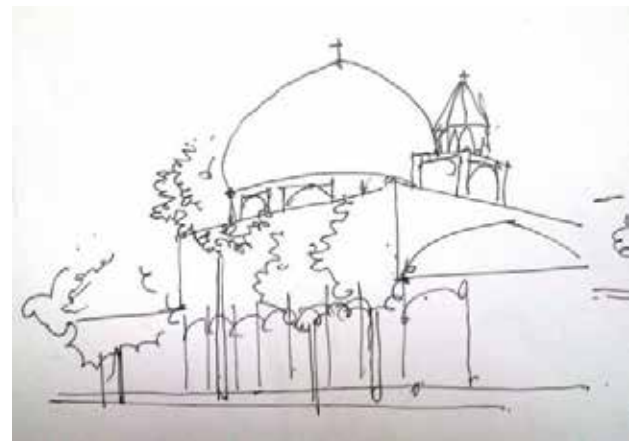
اراده و مداخله شاه و معماران خاصه او (همان) می‌توان نفوذ الگوی بناهای در حال ساخت دوره شاه عباس اول و پیش از آن در راستای پاسخگویی به مناسک کلیسا تصور کرد.

کلیساهای جلفای نو

ترتیب احداث کلیساهای ارمنی جلفای نو نشان می‌دهد گونه‌های تک‌دالانی، نخست، گنبددار با دو پوسته پیوسته در مرحله بعد، سپس چهارستونی، و در نهایت گنبددار با دو پوسته ناپیوسته شکل گرفتند. از کلیساهای دالانی (شش‌باب)، چهارستونی (چهارباب)، دو پوسته پیوسته (یک نمونه) و دو پوسته ناپیوسته (دوباب) برجاست.

• هاکوپ مقدس (۱۰۱۶ ق.)

قدیمی‌ترین کلیسای باقیمانده جلفای اصفهان پلانی تک‌دالانی و صلیبی شکل دارد (تصویر ۶). بنایی ساده با طاق‌های گهواره‌ای ایرانی و چهارطاق ساده (کلمبو) که «یک بال آن» در «دوره قاجاریه» تخریب (حق‌نظریان، ۱۳۸۵، ۶۵) و پلان صلیبی کلیسا در مستطیلی محاط شده است (جدول ۱).



تصویر ۴. عامل پیونددهنده درختان و دیوارها. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. عامل پیونددهنده منظره بیرونی، میدان و دیواره‌ها و کف‌سازی. مأخذ: نگارندگان.

ارائه کرد. ورودی و بروار آن همانند کلیسای مریم مقدس است. نشانه‌های الحاق دوره قاجاریه در بالاخان و ایوان‌های رو به حیاط مشهود است. برای ورود به پله بروار، مجبور به تخریب قسمتی از نقاشی دیواری فضای ورودی شده‌اند. ساخت کلیسای بتخیم مقدس تجربه‌ای پس از ساخته شدن مسجد جامع عباسی بود و چگونگی تناسب و ساختار کالبدی-فضایی مشابه آنها در (جدول ۳) آمده است. این کلیسا، با گنبد دوپوسته ناپیوسته، بلندترین کلیسای اصفهان است (تصویر ۱۲). پلان گنبد گرایش به مستطیل در سمت عرض کلیسا

قراقیونلو دانسته‌اند (هیلن براند، ۱۳۸۰، ۱۰۴) و به کلیسای مریم مقدس اشاره نشده است. دهانه بزرگ گنبددار و بروار^{۱۹} مشرف به صحن گنبد (تصویر ۱۱) و رواق مجاور محراب (فضای کم‌عرض با پوشش طاقگان ایرانی) با ساختار و نظام فضایی و فناوری‌های انتقال یافته مذکور مشابه است. طاقگان خفته ورودی امکان ایجاد بالاخان را فراهم کرده است.

• کلیسای بتخیم^{۲۰} مقدس (۱۰۳۸ ق.)

کلیسای بتخیم با هزینه خواجه پطروس با الگوی مریم مقدس ساخته شد و همان سلسله‌مراتب فضاها را در عرض بیشتری



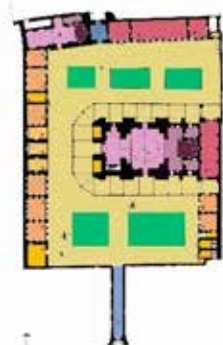
الف



ب

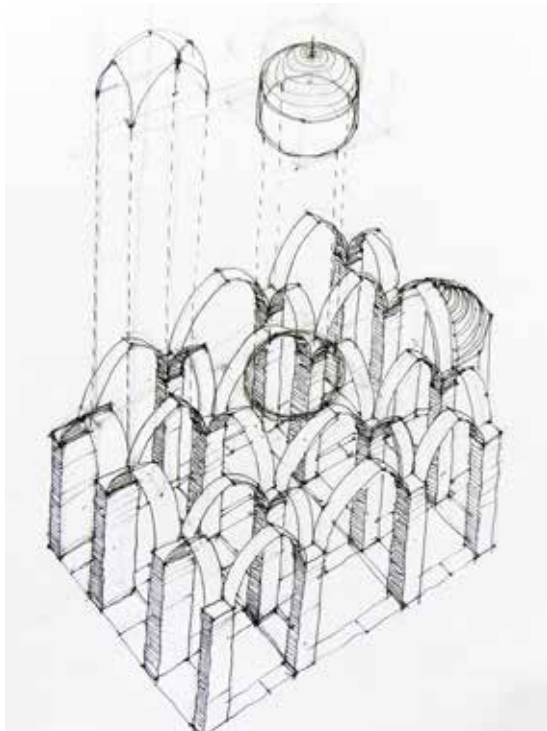


ج

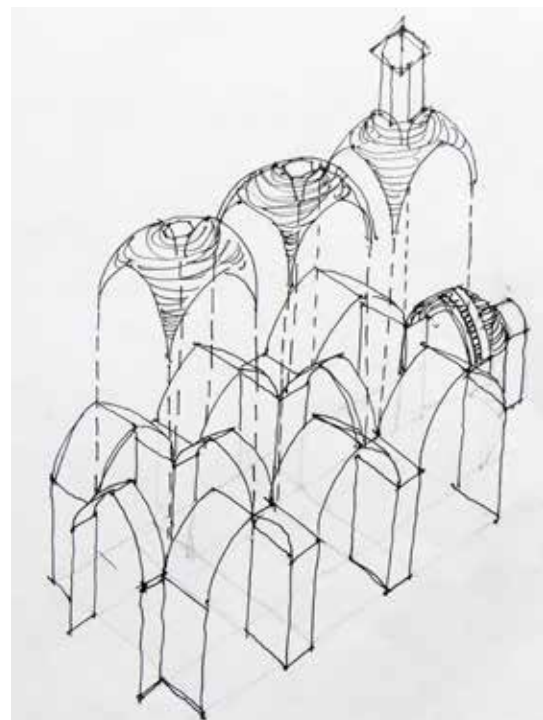


د

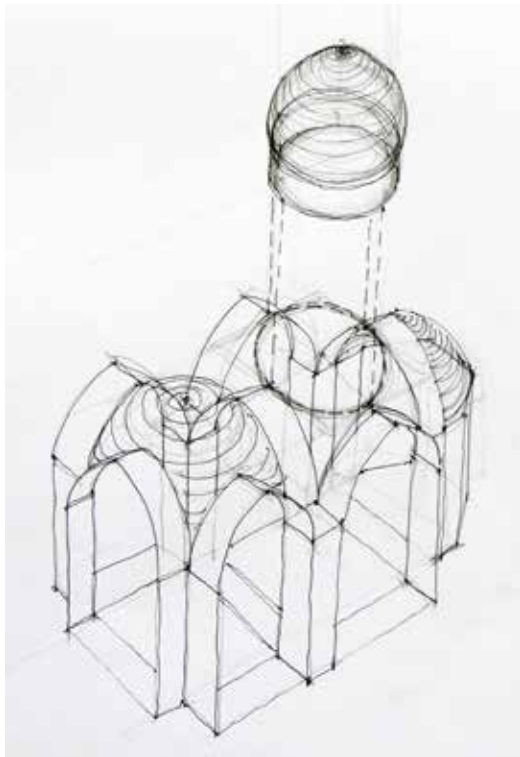
تصویر ۶. موقعیت، پلان و ترکیب طاق‌های کلیسای هاکوپ مقدس. مأخذ: آرشیو نگارندگان؛ حق نظریان، ۱۳۸۵.
الف. هاکوپ-مقدس: ترکیب طاق‌ها. مأخذ: نگارندگان.
ب. کلیساهای هاکوپ مقدس، مریم مقدس و حیاط مشترک. مأخذ: آرشیو نگارندگان.
ج. هاکوپ مقدس: پلان چلیپایی و قوس‌های هلالی.
د. هاکوپ مقدس در شمال غربی، مریم مقدس (وسط).



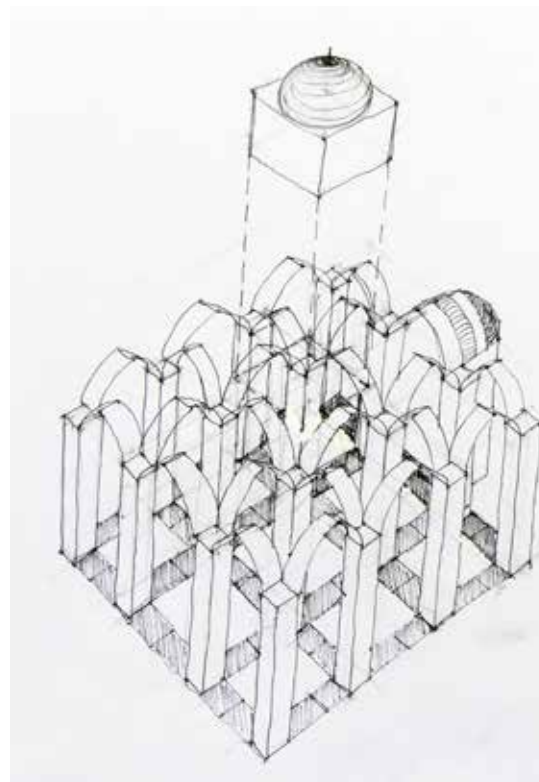
تصویر ۸. نظام سازه‌ای و شکل گنبد کلیسای استپانوس مقدس. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. نظام سازه گنورگ مقدس. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. گنبد و نظام سازه در کلیسای مریم مقدس. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۹. نظام سازه‌ای و شکل گنبد کلیسای هوانس مقدس. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. ویژگی‌های شکلی کلیسای هاوکوپ مقدس. مأخذ: Carswell, 1968.

هاوکوپ مقدس	از کف تا انتهای چهارطاق / گنبد داخلی	ارتفاع لنگه	تا زیر طاق (گهواره‌ای)
ارتفاع (متر)	۶/۶۰	۵/۴۰	۶/۶۰
عرض دهانه	دهانه عرضی	دهانه طولی	عرض صحن (صلیب فعلی)
(متر)	۴/۲۰	۴	۶/۴۰
طول فضا	طول تا انتهای محراب	دهانه شاخص	محراب و محل خطابه / (همپوشانی با دهانه مجاور)
(متر)	۱۸	۴/۱۰	(۰/۲۰) / ۶

جدول ۲. ویژگی‌های شکلی کلیسای گنورگ مقدس. مأخذ: نگارندگان.

کلیسای گنورگ مقدس	ارتفاع تا زیر چهارطاق (متر)	ارتفاع لنگه / (افراز لنگه) (متر)	دهانه طولی (بزرگ) (متر)	دهانه عرضی (کوچک) (متر)	طول صحن (مجموع سه دهانه)	نسبت ارتفاع طاق به لنگه (گودی طاق)
کلیسای گنورگ مقدس	۱۰/۶۰	۸/۳۰ / (۲/۳)	۸/۴۰	۵/۳۰	۱۹/۶۰	۱/۲۷۷
تالار مرکزی چهل ستون	۱۴	۱۲/۳۳ / (۲/۶)	۱۱/۵	۸	۲۸	۱/۱۳۵
نسبت داده‌های چهل ستون به کلیسای گنورگ مقدس	۱/۳۲	۱/۴۸۵ / (۱/۱۳)	۱/۲۷	۱/۵۰	۱/۴۲۸	

همانند کلیسای بتخهم مقدس دارای گنبدی رفیع و دو پوسته ناپیوسته است. روند دودهانه شدن کلیساهای گنبددار در این کلیسای باشکوه تحقق می‌یابد. بنابراین کمترین طول را در میان این گونه کلیساهای دارد (تصاویر ۱۴ و ۱۵).

ویژگی‌های ابعاد فضایی و سازه‌ای کلیساهای در مقایسه با بناهای شاخص اصفهان

مشابهت ویژگی‌های تناسب اجزا و نظام سازه‌ای کلیساهای با بناهای شاخص این دوره، به‌ویژه مساجد میدان نقش جهان، می‌تواند گویای همگرایی معماری کلیسایی به معماری اصفهان باشد. نتایج ردیف‌های جدول به شرح زیر است:

۱. ارتفاع خارجی کلیساهای بزرگ را بین ۲۱ متر تا ۲۵ متر نشان می‌دهد؛
۲. ارتفاع داخلی همه کلیساهای مذکور ۱۹ متر است؛
۳. ارتفاع لنگه‌های سه کلیسا و مسجد شیخ لطف‌الله به هم نزدیک است؛
۴. گویای نزدیکی ویژگی ساختار گنبد کلیساهای بتخهم و هوسپ مقدس و نیز نزدیکی کلیسای مریم مقدس و مسجد شیخ لطف‌الله است؛
۵. ارتفاع دو اشکوب بروار در کلیساهای مریم مقدس، بتخهم مقدس و مسجد شیخ لطف‌الله متناسب و، همچون مهاری، حمایت‌کننده گنبد در ارتفاع شش‌متری است؛
۶. گودی طاق دو کلیسای بتخهم و هوسپ مقدس و گودی گنبدهای کلیسای مریم مقدس و مسجد جامع عباسی به هم نزدیک هستند؛
۷. فضای زیرین منطقه انتقالی (از پلان مربع به گنبد) در کلیسای بتخهم مقدس مکعب کامل است. در کلیسای هوسپ مقدس از مکعب کمی بلندتر، در مریم مقدس ۱،۵ مکعب، و در بتخهم مقدس و هوسپ مقدس نزدیک به مسجد جامع عباسی است؛
۸. نسبت اندازه حجم بیرونی در کلیسای بتخهم و مسجد جامع عباسی نزدیک است. کلیسای هوسپ بلندترین نسبت حجمی و بیش از ۳ مکعب ارتفاع دارد. این نسبت در کلیسای مریم



تصویر ۱۳. کلیسای بتخهم، یکپارچگی فضای محراب و صحن مرکزی کلیسای بتخهم مقدس. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

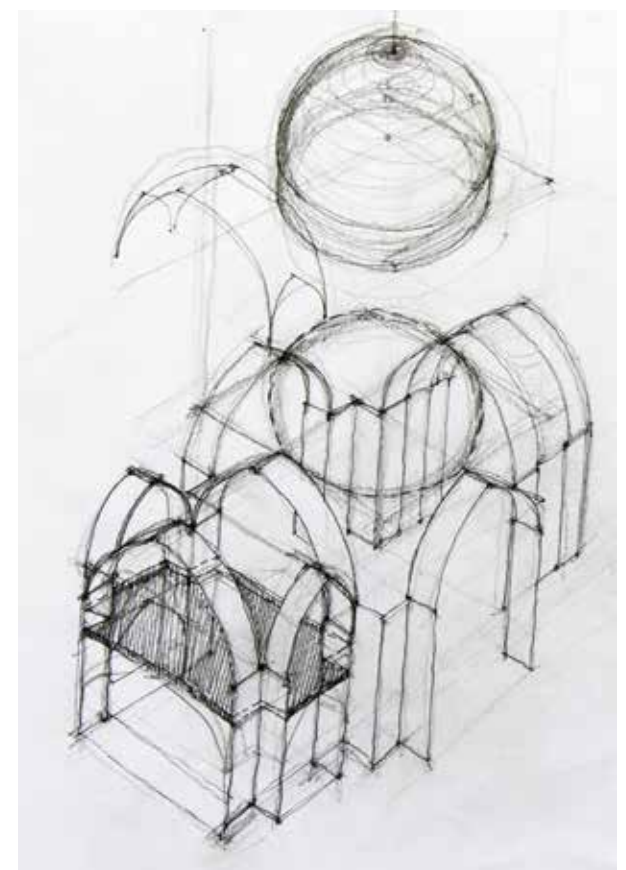
دارد و در نظم کاربردی و پنجره‌های ساقه گنبد اثر گذاشته است. تفاوت فضای داخلی آن با کلیسای مریم مقدس در حذف ردیف طاقگان مجاور محراب و ساختن طاق باریک‌تر به جای آن است که در نتیجه فضای صحن و محراب به هم نزدیک و یکدست شده‌اند. همچنین، با توجه به افزایش عرض دهانه گنبد، طول داخلی کلیسا کوچک‌تر شده است (تصویر ۱۳).

• کلیسای هوسپ مقدس (۱۰۷۵ ق.)

کلیسای هوسپ مقدس در وانک^{۲۱}، آخرین کلیسای جلفای نو،



تصویر ۱۱. نمای ورودی و بالاخان در کلیسای مریم مقدس. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۱۲. ترکیب تاقگان و گنبد دوجداره و بروار کلیسای بتخهم مقدس. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۵. خلاصه شدن دهانه‌ها در آخرین کلیسا با گنبد دوجداره ناپیوسته کلیسای هوسپ مقدس. مأخذ: حق نظریان، ۱۳۸۵.

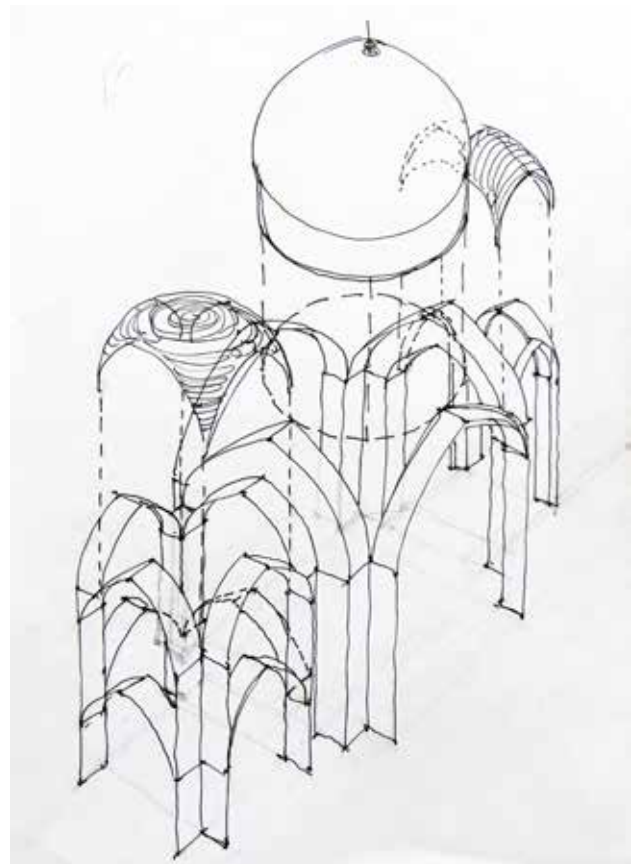
کلیسای بتخهم مقدس گنبدی دوپوش و مرتفع بر فراز گریوی دارای منظر شهری شاخص شد. با کاهش طول و افزایش عرض، فرم داخلی پالوده‌تر شد. فضای طبقه بالای ورودی برّواری مشرف به گنبدخانه و همانند کلیسای مریم مقدس تنوع‌بخش صحن داخلی شد که نظیر آن در خانه‌های جلفا دیده می‌شود و به کاهش حجم سطوح پایه‌های اصلی کلیسا کمک کرد.

با تحولات کلیسای موجود در وانک جلفای نو در ۱۰۶۵ ق. (در **آوانسیان، ۱۳۸۹**)^{۲۳}، همپوشانی فضای محراب کلیسای هوسپ مقدس با گنبدخانه موجب یکپارچگی فضاها و نمایانی محراب از انتهای صحن کلیسا شد و میزان کشیدگی کلیسا دوباره کمتر شد.

یافته‌های مذکور نشان می‌دهد کلیساها مسیری از سادگی به شکوهمندی داشته‌اند. کلیساهای شکوهمند به‌دست بازرگانان ارمنی نزدیک به شاه ساخته شدند و برای رعایت هماهنگی با ابنیه پایتخت به‌الگوهای شناخته‌شده این دوره نزدیک شدند. کلیساهای دالانی چنددهانه‌ای به‌سوی فضاهای وسیع‌تر تمایل یافت. از طول و تعداد دهانه‌های آنها کم شد و به عرض آنها اضافه شد. به‌طور کلی تحول کلیساها را می‌توان در دو روند موازی توضیح داد: نخست روند شکوهمندشدن کلیساها، که با تحول سازه‌ای همراه بود و، دوم، خلاصه‌کردن تسلسل فضاهای داخلی کلیسا و کوتاه‌کردن فاصله ورود تا محراب و کم‌شدن کشیدگی کلیساها.

بحث

از منابع مذکور، می‌توان دریافت که ارمنستان در روند ساخت کلیساها پس از کلیساهای اولیه ناوی‌شکل به ساختار گنبددار روی آورد، اما به‌دنبال ایجاد گنبدی‌های عظیمی همانند بیزانس و ساسانی نبود. بنابراین کلیساهای ارمنستان فاقد گنبدی‌هایی همچون پارتنون یا گنبدی‌های عظیم ساسانی بوده است. در مقابل، از ساختار گنبد در کلیساهای جلفای نو برای نمایانی بیشتر و شکوهمندی پایتخت صفوی استفاده شد. تفاوت ساختار کالبدی فضایی قدیمی‌ترین کلیسای موجود با



تصویر ۱۴. ترکیب تاغگان و گنبد دوجداره کلیسای هوسپ مقدس در وانک جلفای نو. مأخذ: نگارندگان.

مقدس ۲,۵ مکعب است؛

۹. نسبت افراشتگی فضای داخلی کلیسای بتخهم حدود ۱,۵ مکعب و به مسجد جامع عباسی نزدیک است. هوسپ و مریم مقدس حدود ۲,۵ مکعب ارتفاع گرفته‌اند؛

۱۰. احجام داخلی کلیسای بتخهم مقدس و مساجد جامع عباسی و شیخ لطف‌الله حدود ۱,۵ مکعب ارتفاع گرفته‌اند. کلیسای مریم مقدس ۲ مکعب کامل ارتفاع دارد و می‌توان گفت در افراشتگی کلیساها تعمد وجود داشته است.

یافته‌های تحقیق

نقش مهم سازه‌ها، پوشش‌ها، گوشه‌سازی ایرانی و کاربندی در ریخت کلیساها آشکار است. احجام نورگیر همانند بناهای پایتخت است، پایه‌ها و دهانه‌ها به‌تدریج متحول شدند و فضاهای وسیع‌تری در اختیار صحن کلیسا گذاشتند. روند تبدیل و تحول عناصر ساختمانی از کلیسای گئورگ مقدس سرچشمه گرفت. با تصرف در چهارطاق امکان تبدیل شدن به گنبدخانه^{۲۲} فراهم شد. کلیسای مریم مقدس (۱۰۲۱ ق.) و بتخهم مقدس (۱۰۳۶ ق.)، با دو شیوه متفاوت، نشان‌دهنده نزدیک شدن به ترکیب و تناسب اجزای معماری اصفهان و ایده ایرانی شدن معماری کلیساهای جلفای نو است.

جدول ۳. مقایسه ویژگی‌های تناسب فضایی و سازه‌ای کلیساهای جلفای نو و مساجد میدان نقش جهان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	ایعاد	یتخیم	هوسپ وانک (یکدهانه مجاور ورودی / یکصحن)	مریم مقدس (یکدهانه مجاور ورودی / یکصحن شاخص / یکسرودخوان)	مسجد شیخ لطف‌الله	مسجد جامع عیباسی
۱	بلندترین ارتفاع از زمین	۲۶/۷۵	۲۴	۲۰/۶۰	۳۱	۵۱
۲	از کف تا انتهای چهارطاق / گنبد داخلی	۱۹	۱۸/۹۰	۱۹	۲۶/۷۰	۳۴
۳	ارتفاع لنگه گنبد	۱۱	۱۱	۱۳	۱۲	۲۱/۸۹
۴	نسبت ارتفاع دیووش	۲۶/۷۵ : ۱۹	۲۴ : ۱۸/۹۰	۲۰/۶۰ : ۱۹	۳۱ : ۲۶/۷۰	۵۱ : ۳۴
		- ۱/۳۰	- ۱/۲۷	- ۱/۰۸	- ۱/۱۶	- ۱/۵
۵	ارتفاع رواق پشتیبان گنبد (همکف دهانه ورودی و بالاخان)	همکف: ۶/۴۰	-	همکف: ۵/۷۰	۶/۰	-
	ارتفاع حجم ورودی	ارتفاع حجم دهانه اول: ۱۱/۷۰	-	حجم ورودی: ۱۵/۶۰	۱۱/۵۰	-
۶	نسبت ارتفاع طاق به لنگه (گودی گنبد داخلی)	۱۹ : ۱۰/۸	۱۸/۹۰ : ۱۱	۱۹ : ۱۳	۲۶/۷۰ : ۱۲	۳۴ : ۲۱/۸۹
		- ۱/۷۵	- ۱/۷۲	- ۱/۴۴	- ۲/۲۲	- ۱/۵۵
۷	نسبت ارتفاع لنگه با دهانه آن	۱۱ : ۱۱	۱۱ : ۸/۶	۱۳ : ۸/۲۰	۱۲ : ۱۸/۵	۲۱/۸۹ : ۲۴/۵
		- ۱	- ۱/۲۸	- ۱/۵۸	- ۰/۶۵	- ۰/۸۹
۸	نسبت ارتفاع بیرونی گنبد به دهانه (اقراشنگی سازه و حجم بیرونی)	۲۶/۷۵ : ۱۱	۲۴ : ۷/۲۰	۲۰/۶۰ : ۸/۲۰	۳۱ : ۱۸/۲۰	۵۱ : ۲۴/۵
		- ۲/۲۵	- ۳/۳۳	- ۲/۵۱	- ۱/۷۰	- ۲/۰۸
۹	نسبت ارتفاع گنبد داخلی به دهانه گنبد	۱۹ : ۱۰/۷۰	۱۸/۶۰ : ۷/۲۰	۱۹ : ۸/۲۰	۲۶/۷۰ : ۱۸/۲۰	۳۴ : ۲۴/۵
		- ۱/۷۸	- ۲/۵۸	- ۲/۳۱	- ۱/۴۷	- ۱/۳۹
۱۰	نسبت ارتفاع گنبد به بزرگترین دهانه عرضی صحن (تناسب فضایی)	۱۹ : ۱۲	۱۸/۹۰ : ۱۱/۳۰	۱۹ : ۹/۵۰	۲۶/۷۰ : ۱۸/۵۰	۳۴ : ۲۴/۵
		- ۱/۵۸	- ۱/۴۷	- ۲	- ۱/۴۴	- ۱/۳۹

ق.)، با چهارطاق‌های بلند و اندام معماری ایرانی، اولین کلیسای موجود جلفای نوست که در روند شکل‌گیری و تکامل دیگر الگوهای کلیسا نقش مؤثر داشت. حسب اطلاعات جدول ۳، شکل پلان کلیسای گئورگ مقدس مشابه الگوی سه‌دهانه‌ای چشمه‌طاق‌های بزرگ بر کاربندی در کاخ چهل‌ستون است. این طرح به‌مثابه الگوی مولد، زمینه شکل‌گیری الگوی شبستانی و گنبدخانه‌ای را فراهم کرد و به این ترتیب معماری کلیساها به معماری مساجد میدان نقش جهان نزدیک شد.

کلیسای مریم مقدس (۱۰۲۲ ق.)، با گنبد و رواق اطراف آن و قرارگیری بر صفا و گنبد دوپوش پیوسته، با ویژگی‌های مشترک مسجد بی‌صحن شیخ لطف‌الله پیوند دارد. کلیسای استپانوس مقدس (۱۰۲۳ ق.) نخستین و بلندترین کلیسای شبستانی است که در روند میان‌تهی کردن پایه‌های طویل و متوالی و ایجاد معبر در کلیسای گئورگ مقدس به‌وجود آمد. بدین ترتیب دهانه‌های جانبی پشتبند ردیف دهانه‌های دالان مرکزی می‌شوند و زمینه افزایش بنا را فراهم می‌کنند. مقایسه داده‌های تناسباتی ساختار کالبدی-فضایی کلیساهای گئورگ، مریم مقدس، بتخهم و هوسپ مقدس با سه بنای شاخص دوره شاه عباس اول تشابه بسیار کلیساهای مذکور با بناهای ایرانی و تأثیرپذیری از اصول آنها را نشان می‌دهد. کلیساهای بتخهم مقدس (۱۰۳۶ ق.) و هوسپ مقدس (۱۰۷۵ ق.) بیش‌ترین شباهت را با مسجد جامع عباسی (۱۰۲۵-۱۰۳۸) دارد.

این پژوهش نشان می‌دهد، با وجود آرای گوناگون درباره نفوذ کلیساهای ارمنی در گستره‌های جغرافیایی گوناگون، اکثر کلیساهای جلفای نو در چارچوب سبک‌های متأثر از دوره صفوی شکل گرفته‌اند. در کلیسای هاکوپ مقدس به‌جز پلان صلیبی شکل داخلی نشانه‌ای از حجم چلیپایی دیده نمی‌شود. همه کلیساهای مقید به جداره‌های ساده و قوانین مناسک کلیسا بوده‌اند، اما فناوری طاق‌های ایرانی تسلط خود را بر حجم آنها حفظ کرده است. در ساختار کالبدی-فضایی کلیسای مریم مقدس تحول در دهانه مرکزی کلیسای گئورگ و افزایش گنبد دیده می‌شود. سبک ساختمانی گنبد دوپوش کلیساهای بتخهم و هوسپ مقدس با گنبدخانه جامع عباسی قابل مقایسه است و این دو بسیار به یکدیگر نزدیک‌اند.

پی‌نوشت

۱. از سال ساخت احتمالی کلیسای هاکوپ مقدس تا کلیسای هوسپ مقدس در وانک جلفای نو به سال ۱۰۷۵ ق. (حق‌نظریان، ۱۳۸۵).
۲. ساختار کالبدی-فضایی در این نوشتار به‌معنای ترکیب کلی فرم و سازه در معماری است، چرا که تغییر و تحول در سازه بنا تغییر و تحول در ترکیب و تناسب فضا را به همراه دارد.
۳. منظور از گونه مولد گونه‌ای است که با تحول در ساختار کالبدی-فضایی آن امکان ظهور گونه‌های جدید فراهم می‌شود.
۴. typomorphology
۵. Jean Nicholas Louis Durand
۶. Etienne Louis Boullée
۷. Giulio Carlo Argan

دیگر کلیساهای جلفای نو به‌وضوح نشان‌دهنده تکنیک‌های معمارانه بستر جدید است. شکل پلان صلیبی شکل کلیسای هاکوپ مقدس با طاق‌های هلالی یگانه است. توافق کلی پژوهش‌ها در نزدیک‌شدن معماری کلیسایی به معماری ایرانی اولین نشانه خود را در ساختار کالبدی-فضایی کلیسای گئورگ مقدس با طاق‌های بلند تیزه‌دار آشکار می‌کند و هندسه قوس گنبد بتخهم بر فرم ارتقایافته گنبد جامع عباسی منطبق می‌شود. نظر زاندر (۱۳۸۶)، روتر (۱۳۸۷) و گذار، گذار و سیرو (۱۳۶۷) درباره مداخله و اصلاحاتی در پایه‌ها در فرهنگ معماری از دوره ساسانی تا صفوی و مجهزترکردن آنها در معماری کلیساها مشهود است. از طرفی «تأثیر معماری آتشکده‌ها در غرب مسیحی توسط اردمان» (زاندر، ۱۳۸۶، ۲۶) و تأثیرپذیری کلیساهای ناوی آغازین ارمنستان از معابد مهری (جوادی، ۱۳۹۳) می‌تواند استمرار نفوذ ایده‌های ایرانی در کلیساهای جلفای نو باشد. همچنین، پوپ (Pope, n.d., 1201) کلیساهای ارمنی جلفای نو را «تطبیق طرح‌های اروپایی با شکل‌های ایرانی» می‌داند که شامل «شبستان گنبددار»ی است که از خاستگاه ایرانی «آتشکده» نشئت گرفته است.

در توافق با نظر اودیان (۱۳۷۹)، تهی کردن پایه‌ها و ایجاد دهانه‌های طرفین فضای داخلی کلیسا، ضمن ایجاد پیوستگی، با طرح شبستانی مساجد قابل مقایسه است و بر نزدیک‌شدن معماری کلیسایی جلفای نو به معماری بستر جدید تأکید می‌ورزد. نظر موراتوری پیرامون گونه و تجلی زندگی مردم در تغییر فضا و زمان قابل انطباق با روند تحول کلیساهاست. روش دوران درباره بحث اجزای بنا، قوس‌ها و نگهدارنده‌ها، شکل و تناسب اجزاء و رابطه میان آنها در سطح، ارتفاع و ترکیب‌های متنوع بخش‌های مختلف بنا با روش شناخت گونه‌های این پژوهش هم‌سوست.

نتیجه‌گیری

هرچند پس از رهاکردن کلیساهای ناوی شکل در ارمنستان، ساختار گنبدی به کلیسا افزوده شد، این ساختار، به‌دلیل سادگی نحوه ساخت آن، فاقد فضای گنبدخانه‌ای همچون پارتنون یا گنبدخانه‌های عظیم ساسانی بود، اما در کلیساهای جلفای نو، برای همراهی با شکوهمندی پایتخت صفوی و برای اعتبار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جلفای نو، گنبد‌های بزرگ و بلند ساخته شد.

عرصه محصور و عناصر طبیعی کلیساهای جلفای نو، دو عنصر مهم در ایجاد پیوستگی و یکپارچگی منظر شهری کلیساهاست. سادگی و صراحت جداره‌های اصلی کلیساهای ارمنی حاکی از پیروی از قواعد، آداب کلیسازایی و ترتیب مناسک آنهاست. قدیمی‌ترین کلیسای جلفای نو (۱۰۱۶ ق.)، با پلان صلیبی محاط در مستطیل، دارای سبکی متفاوت و تأثیرپذیری از نوعی طاق ساده معماری ایران است. طرح این کلیسا با توجه به الگوهای پیشینی موطن قبلی ارامنه شکل گرفته و معرف الگوی پایه کلیسایی است. کلیسای گئورگ مقدس (۱۰۲۰

Saverio Muratori .A
major architecture .9

۱۰. محققان بسیاری، از جمله برادران کریو و الدوروسی، در زمینه معماری به گونه (type) و گونه‌شناسی (typology) پرداخته‌اند. تبیین دسته‌بندی بناها بر مبنای وجوه مشترک آنها از حدود سه دهه پیش در ایران شکل گرفته است (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲).

Mren .11

Zvart'nots or Zuart'noc' .12

Ptghni or Ptñi .13

(Terry Allen (1983) .14

۱۵. طبق تعریف فرهنگ فارسی معین، منظور کشیشان و مبلغان مسیحی است.
۱۶. همچون تالار خانه آقاکمال (۱۰۱۳ ق.) که دارای شباهت زیادی با تالار چهلستون اصفهان است و کارآیتیان نیز به این تشابه توجه کرده است.
۱۷. صحن کلیسا به عرصه فضای داخلی مقابل محراب اتلاق می‌شود.
۱۸. «صفه» تداوم ایده تیه مصنوعی در کوشک‌های دوره تیموری به برخی کاخ‌ها و ابنیه صفوی است (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۶۵۸).

۱۹. بروار در کلام محمدکریم پیرنیا (۱۳۷۳) فضایی است در دو سوی یک دهانه بزرگ، مانند راهروهای دو سوی یک شبستان یا ایوان یا شاه‌نشین.

۲۰. نام این کلیسا در منابع مختلف به طرق گوناگون ذکر شده است: بتقه‌م (هوسپیان، ۱۳۸۶)، بیت‌الحم (حق نظریان، ۱۳۸۵)، بتله‌م (هویان، ۱۳۸۲؛ Carswell, 1968).

۲۱. وانک جلفای نو با نام ناجی مقدس همگان، به یاد دیری به همین نام (Surp Ame-naperkich Vank) در جلفای نخجوان، توسط ارمنیان در ۱۶۰۶ م بنا شد. در این دیر کلیسای کوچکی به مدت پنجاه سال بر جای بود، اما ساخت کلیسای کنونی که با نام هوسپ آرماتانسی خوانده می‌شود در ۱۶۵۵ م آغاز شد و در ۱۶۶۴ م به پایان رسید (هوسپیان، ۱۳۹۳؛ در آوانسیان، ۱۳۸۹). (وانک جلفای نو امروزه نه در نقش دیر، بلکه به‌عنوان مرکز خلیفه‌گری اصفهان و کانون ارتباط ارمنیان اصفهان و جنوب ایران با دیگر نقاط جهان است و کلیسای هوسپ مقدس روزانه مورد بازدید عموم قرار می‌گیرد).

۲۲. شوازی (۱۳۸۶، ۸۱-۸۲) بر آن است که «گونه‌ای نیم‌رخ ابتکارآمیز، که از قرن نهم تا یازدهم میلادی در ارمنستان» ساخته شد، و از آن به «گنبد مخروطی بر روی ساقه استوانه‌ای» تعبیر کرده است، پس از عبور از قفقاز در پهنه تحت فرمانروایی ترکان سلجوقی و با آجر به‌کار گرفته شد. گنبد کلیساهای جلفای نو، که همچون گنبد‌های ایرانی مساجد ناری‌شکل هستند، متفاوت از این نوع گنبد ارمنی است.

۲۳. تخریب کلیسای قدیمی و ساخت کلیسای هوسپ در وانک جلفا به‌جای آن (هویان، ۱۳۸۲؛ حق نظریان، ۱۳۸۵).

فهرست منابع

- آراکلیان، واروژان. (۱۳۷۵). تاریخچه و روند شکل‌گیری بناهای مذهبی ارمنیان در ایران. در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ج. ۳). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص. ۴۰۵-۴۵۲.
- اودیان، شرلی. (۱۳۷۹). سیر شکل‌گیری معماری کلیساهای ارمنی. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۴ (۱۳ و ۱۴)، ۷۴-۷۸.
- افشارسیستانی، ایرج. (۱۳۷۵). قره کلیسا. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۱ (۲)، ۵۵-۶۶.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله. (۱۳۷۳). نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه. به کوشش احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور ایپهام. (۱۳۸۷). چادرها و کوشک‌ها. در سیری در هنر ایران (ج. ۳، صص. ۱۶۴۹-۱۶۶۱) (ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی)، تهران: علمی و فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۳). واژه‌نامه. اثر، ۱۵ (۲۴)، ۱۹۵.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۳). تداوم نشانه‌ها و بقایای معماری مهری قفقاز در کلیساهای ارمنستان و گرجستان، باغ نظر، ۱۱ (۳۱)، ۳۳-۴۴.
- حق نظریان، آرمین. (۱۳۸۵). کلیساهای ارمنیه جلفای نواصفهان (ترجمه نارسیس سهرابی ملایوسف). تهران: فرهنگستان هنر.
- حق نظریان، هوهانس. (۱۳۹۴). دیر استیانوس مقدس در گذر زمان

(ترجمه ادوارد هاروتونیان). فصلنامه فرهنگی پیمان، ۱۹ (۷۴)، ۵۸-۷۵.

• خان محمدی، بهروز. (۱۳۸۴). پراکندگی کلیساهای تاریخی ارمنیان در آذربایجان غربی. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۹ (۳۱)، ۷۸-۸۸.

• در آوانسیان، هراچ. (۱۳۸۹). کلیسای وانک. اصفهان: بهار آزادی.

• روتر، اسکار. (۱۳۸۷). معماری ساسانی (ترجمه مهدی مقیسه و محمدعلی شاکری راد). در سیری در هنر ایران (ج. ۲، صص. ۶۳۹-۷۱۵، زیر نظر آرتور ایپهام پوپ)، تهران: علمی و فرهنگی.

• زاندر، جوزپه. (۱۳۸۶). ملاحظاتی درباره معماری غیرمذهبی اصفهان. در اصفهان در مطالعات ایرانی (به کوشش رانا هولود، ترجمه محمدتقی فرامرزی و سید داوود طبایی، ج. ۲، صص. ۱۹-۴۲)، تهران: فرهنگستان هنر.

• سیمونی، پیونیک. (۱۳۸۹). مجموعه رهبانی استیانوس قدیس در متن معماری کلیسای ارمنی. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۱۱ (۵۲)، ۹۱-۱۱۹.

• شجاع‌دل، نادره. (۱۳۸۴ الف). مروری بر کلیساهای ارمنیه استان آذربایجان غربی. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۹ (۳۳)، ۵۲-۶۹.

• شجاع‌دل، نادره. (۱۳۸۴ ب). مروری بر کلیساهای ارمنیه استان آذربایجان شرقی. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۹ (۳۴)، ۷۱-۸۱.

• شجاع‌دل، نادره. (۱۳۸۶). سیر تحول معماری در جلفای اصفهان. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۱۰ (۴۰)، ۱۳۲-۱۴۴.

• شوازی، آگوست. (۱۳۸۶). تاریخ معماری (ترجمه لطیف ابوالقاسمی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

• گذار، آندره؛ گذار، یدا و سیرو، ماکسیم. (۱۳۶۷). طاق‌های ایرانی. در آثار ایران (ج. ۳، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

• آپجان، اورارد میلر؛ مالر، جین گاستون و وینگرت، پل استور. (۱۳۹۰). تاریخ تحلیلی هنر جهان: معماری، پیکرتراشی، نقاشی، درس‌های دانشگاهی تاریخ هنر دانشگاه آکسفورد (ترجمه محمد هوشمند ویژه). تهران: بهجت.

• معماریان، غلام‌حسین و طبرسا، محمدعلی. (۱۳۹۲). گونه و گونه‌شناسی معماری. معماری و شهرسازی ایران، ۴ (۶)، ۱۰۳-۱۱۴.

• مک‌چسنی، رابرت. (۱۳۸۵). چهار منبع درباره ساخته‌های شاه‌عباس در اصفهان (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). گلستان هنر، ۲ (۴)، ۴۶-۷۵.

• ملکیمان، لینا. (۱۳۸۰). کلیساهای ارمنیه ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

• هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان. اصفهان: کتابفروشی ثقفی.

• هوسپیان، شاهن. (۱۳۸۳). نگاهی مختصر به تاریخ کلیساهای ارمنیان در ایران. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۸ (۲۷)، ۵۲-۶۸.

• هوسپیان، شاهن. (۱۳۸۶). معماری کلیساهای اصفهان. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۱۱ (۴۰)، ۵۳-۸۳.

• هوسپیان، شاهن. (۱۳۹۳). تاریخچه کلیسای وانک اصفهان. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۱۱ (۷۰)، ۳۸-۵۴.

• هوسپیان، شاهن. (۱۳۹۴). چند کلیسای ارمنی در یک نگاه. فصلنامه فرهنگی پیمان، ۱۹ (۷۴)، ۷۶-۱۳۱.

• هویان، آندرانیک. (۱۳۴۶). قره کلیسا. بررسی‌های تاریخی، ۵ (۱۱)، ۱۹۵-۲۱۰.

• هویان، آندرانیک. (۱۳۸۲). کلیساهای ارمنیان ایران. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.

• هیلن‌براند، رابرت. (۱۳۸۰). معماری اسلامی: شکل، کارکرد، معنی (ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی). تهران: روزنه.

- Avdoyan, L. (2017). Review on vigilant powers: three churches of early medieval Armenia, by C. Maranci. *The Journal of Ecclesiastical History*, 68(3), 602-604.
- Carswell, J. (1968). *New Julfa, The Armenian Churches and their Buildings*. Oxford: Clarendon.
- Ching, F. D. K., Jarzombek, M. M. & Prakash, V. (2006). *A Global History of Architecture*. New Jersey: John Wiley & Sons.
- Currie, C. R. J. (1990). Gazetteer of archaic roofs in Herefordshire and Worcestershire churches, *Vernacular Architecture*, 21(1), 18-32.
- Durand, J. N. L. (2000). *Precis of the Lectures on Architecture* (Trans. David Britt). Los Angeles: The Getty Research Institute Publications Program.
- Garai, G. & Vukoszávlyev, Z. (2017). Supreme pastor of the church cares for the Hungarian church: church architecture of the Hungarian church during the first decade of John Paul II's papacy, *Periodica Polytechnica Architecture*, 48(1), 53-57.
- Gellhardt, H. (2017). *Armenien, Georgien, Notizen und Studien anabich meiner Reise*, Privatdruck: Potsdam.
- Greenwood, T. (2008). Sasanian reflections in Armenian sources. *E-Sasanika*, (3), Retrieved from [https://risweb.st-andrews.ac.uk/portal/en/researchoutput/sasanian-reflections-in-armenian-sources\(deaf6950-08cb-49ed-91e8-83d49ac49f6c\)/export.html](https://risweb.st-andrews.ac.uk/portal/en/researchoutput/sasanian-reflections-in-armenian-sources(deaf6950-08cb-49ed-91e8-83d49ac49f6c)/export.html)
- Haghazarian, A. (n.d.). *The Monasteries of ST. Thaddeus: The Apostle And ST. Stepannos Nachavka* (Z. Mnatsakanyan Trans.). Ed. L. Manoukyan, Page Maker: Susy Mashuryan.
- Kwun, J. B. & Whang, H. (2011). Morphological categorization and its role in design method, *Architectural Research*, 1(4), 11-18.
- Maranci, C. (2014). Building church in Armenia: Art at the borders of empire and the edge the canon. *The Art Bulletin*, 88(4), 656-675.
- Maranci, C. (2015). *Studies in the Visual Cultures of the Middle Ages, Vigilant Powers*, vol. 8: Three Churches of Early Medieval Armenia, Turnhout: Brepols Publishers.
- Moudon, A. V. (1994). Getting to know the built landscape: typomorphology, In K. A. Franck & L. H. Schneekloth (Eds.), *Ordering Space: Types in Architecture and Design*, New York: Van Nostrand Reinhold.
- Oikonomou, A. (2012). Design and tracing of post-byzantine churches in the florina area, northwestern Greece. *Nexus Network Journal*, 14(3), 495-515.
- Panjikaran, S. & Vedamuthu, R. (2013). An evaluation of spatial organization of the church architecture of Kerala during the sixteenth to seventeenth centuries. *Journal of the Institution of Engineers (India, Series A)*, 94(2), 123-130.
- Petruccioli, A. (1998). Exoteric, polytheistic fundamentalist typology, typological process and design theory, In (Ed.) A. Petruccioli, *Aga Khan Program for Islamic Architecture*. Massachusetts.
- Petruccioli, A. (1999). Aldo Rossi: An artist challenges typology. Paper presented at Acsa International Conference, Rome.
- Picon, A. (2000). *Introduction to Precip of the Lectures on Architecture* (David Britt Trans.). Jean-Nicolas-Louis Durand. Los Angeles: The Getty Research Institute Publications Program.
- Pope, A. U. (n.d.). An historic outline (The Safavid Period). In Ph. Ackerman (Ed.), *A Survey of Persian Art* (vol. 3, pp.1165-1225). Tehran: Soroush.
- Repelewicz, A. & Madurowicz, Z. (2016). History of church design in Olszyna Lubańska. *Journal of Civil Engineering and Architecture*, (10), 888-893.
- Simoni, P. & Hojat, I. (2016). Architecture of churches of Armenians in Tehran. *The Turkish Online Journal of Design, Art and Communication*. Retrieved from http://www.tojdac.org/tojdac/VOLUME6-AGUSPCL_files/tojdac_v060AGSE173.pdf
- Sovik, E. A. (2009). Church architecture, A public language. *Liturgy*, 4(4), 82-89.
- Stroik, D. G. (2015). Church architecture since Vatican II. *The Jurist: Studies in Church Law and Ministry*, 75(1), 5-34.
- Walcher, H. A. (2001). Between paradise and political capital: the semiotics of Safavid Isfahan. In *Middle Eastern Natural Environment* (Bulletin 103, pp. 330-348). New Haven: Yale University press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

پورنادری، ارغوان؛ ایزدی، محمدسعید؛ قلعه‌نوعی، محمود و پورنادری، حسین. (۱۳۹۸). شناخت تحولات ریخت‌شناختی کلیساهای ارمنی جلفای نو در تعامل با معماری اصفهان. *باغ نظر*, ۶(۷۹)، ۱۵-۲۸.

DOI: 10.22034/bagh.2019.132140.3581

URL: http://www.bagh-sj.com/article_98940.html

